

نقش مصاحبه‌کننده در گردآوری اطلاعات تاریخ شفاهی

دکتر ابوالحسن ضیا ظریفی

سازمان بخورد، و نه نویسندهٔ رمانهای هیجان‌انگیز! ولی در کار تخصصی پزشکی و آزمایشگاهی خود، در سطح ملی و بین‌المللی کارهایی کرده‌ام و در طی چهل سال و بخصوص بیست و پنج سال بعد از انقلاب، بیش از بیست جلد کتاب علمی و در چند سال اخیر، سه جلد کتاب اجتماعی و سیاسی از من منتشر شده است.

استدلالم برای خانم مصاحبه‌کننده، قانع‌کننده نبود؛ دیدم «غیر تسلیم و رضا کو چاره‌ای!» البته مصرع اول این شعر، «در کف شیر یل خونخواره‌ای»، اصلاً دربارهٔ ایشان صادق نبود و من به جای آن گفتم:

روبروی دُخت آتشیاره‌ای

غیر تسلیم و رضا، کو چاره‌ای

مصاحبه‌کننده، آن چنان با محبت به ذکر اوصاف و فضائل - که نمی‌دانم از کجا جمع‌آوری کرده بودند - پرداخت که برآستی باورم شد که، من هم کسی هستم و باید خاطراتم در آرشیو سازمان اسناد باقی بماند تا آیندگان و بخصوص جوانان، از آن استفاده کنند.

وقتی که براساس اصول مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، برنامهٔ خود را پیشنهاد کردند و موافقت مرا گرفتند، کلید دستگاه ضبط صوت را روشن کردند و از سال و محل تولد، دوران کودکی و نوجوانی و زندگی فامیلی من سوال کردند و جواب شنیدند. روز اول، مصاحبه تقریباً دو ساعت به طول انجامید و چون کار نیمه تمام باقی ماند، مصاحبه به هفته بعد و بعدتر موکول شد. در جلسهٔ پایانی، با همسر خانم دکتر

تاریخ شفاهی کشور عزیز ما، فصلنامهٔ گنجینهٔ اسناد را به مخزنی از اطلاعات مفید و گرانبها تبدیل کرده است. قسمت اعظم مطالب منتشره در این فصلنامه، در اثر کوششهای بیدریغ مصاحبه‌کنندگان ادارهٔ تاریخ شفاهی تهیه شده است و این کوششها، با ریزه‌کاریهای فنی مصاحبه‌کنندگان با مصاحبه‌شوندگان، ارتباطی ناگسستگی دارد. برای ارج نهادن به این کوششهای صمیمانه، برآن شدم که مقالهٔ زیر را جهت اطلاع خوانندگان تقدیم بدارم.

شکی نیست که کوشش سازمان اسناد ملی ایران در گردآوری این اطلاعات، می‌تواند منبع باارزشی برای تاریخنگاری کتبی آیندهٔ میهن ما باشد؛ همان کاری که غالب دانشگاههای بزرگ دنیا در بخشهای تاریخ و علوم، از سالیان گذشته به آن پرداخته‌اند.

حقیقت این است، روزی که سرکار خانم رؤیا محمدلو برای انجام مصاحبه‌ای در تاریخ ۷۹/۸/۱۱ تلفن کردند، من با اکره‌ای با ایشان گذاشتم و فکر می‌کردم مانند بسیاری از مصاحبه‌های دیگر - که در سالهای اخیر، بخصوص بیش‌تر از طرف مجلات پزشکی و تخصصی با من انجام گرفته - چند دقیقه‌ای با ایشان صحبت خواهم کرد. ولی وقتی که ایشان برای انجام مصاحبه به آزمایشگاه من آمدند و نامهٔ ریاست سازمان را دربارهٔ شرایط مصاحبه به من دادند، با بیان اهداف سازمان از این مصاحبه، مرا متوجه اهمیت موضوع کردند. برای فرار از دست ایشان، عرض کردم که من نه شخصیت سیاسی مهمی هستم که خاطراتم به درد نگهداری در آرشیو

زیرکزاده نیز چند دقیقه‌ای مصاحبه به عمل آمد که مجموعاً بیش از چهار ساعت طول کشید و در پنج کاست ضبط شد. سازمان، آنها را به ضمیمهٔ عکسهایی که عکاس سازمان گرفته بودند، برایم فرستادند که درحقیقت یادگاری از من برای فرزندان و نوه‌هایم می‌باشد.

تاریخ شفاهی، یکی از مهم‌ترین راه‌های جمع‌آوری اطلاعات است و قرن‌ها، تنها منبع ضبط حوادث و اتفاقات گذشته و انتقال آن برای نسل‌های آینده بوده است. بخش اعظم تاریخ گذشتهٔ جهان، سرگذشت بزرگان علم و دانش یا سیاستمداران و حتی جنایتکاران معروف، از این راه جمع‌آوری شده است.

بعد از تکمیل فناوریهای جدید و ضبط صدای گویندگان در ضبط صوت، چه به صورت کاست و یا CD و یا ضبط تلویزیونی، مقولهٔ تاریخ شفاهی به مرحله تازه‌ای رسیده است. به همین جهت می‌بینیم که در طی سی سال اخیر، در تمام جهان تدوین تاریخ شفاهی شتاب بیش‌تری یافته است. تاریخ‌نویسان حرفه‌ای، تاریخ‌نویسان فامیلی، روزنامه‌نگاران، خبرنگاران و همچنین مسئولان آرشیوهای اسناد، از این راه به گنجینه‌های بزرگی دست یافته‌اند که بعدها باید در تدوین آنها اقدام کنند و یا در پایگاه‌های رایانه‌ای در دسترس عموم قرار دهند؛ کاری که امروزه اکثر دانشگاه‌های بزرگ جهان مانند هاروارد، کرنل و غیره انجام می‌دهند.

از چه کسانی مصاحبه به عمل می‌آید؟

افراد مختلف برحسب مشاغل و یا اتفاقاتی که برای آنها افتاده و یا خود، دست‌اندرکار در یک موضوع خاص تاریخی بوده‌اند، مورد مصاحبه قرار می‌گیرند.

در اینجا نقش مصاحبه‌کننده بسیار حائز اهمیت است و برحسب آنکه موضوع مصاحبه دربارهٔ چه مسئله‌ای باشد، مصاحبه‌کننده، باید مقدمات امر را فراهم نماید. غالب مصاحبه‌شوندگان چه قبل و چه هنگام مصاحبه، دچار نوعی اضطراب و استرس درونی می‌گردند و در این حالت، مصاحبه‌کننده باید کوشش کند که با ایجاد آرامش در طرف

مقابل، اضطراب او را کاهش دهد تا بتواند پاسخهای بیش‌تر و صحیح‌تری برای سؤالات خود به دست آورد.

مصاحبه‌کننده، باید محیطی به وجود آورد که مخاطب خود را آرامش دهد. گاهی محیط مصاحبه به علت تاریکی بیش از حد، نور زیاد، سر و صدا و یا سرما و گرمای بیش از حد و به اصطلاح «محیط فیزیکی» «Physical Environment» به انجام مصاحبه صحیح لطمه وارد می‌سازد. بنابراین نقش مصاحبه‌کننده، ایجاد محیطی مناسب برای کسب حداکثر اطلاعات می‌باشد. محیط مناسب حتی شامل نحوهٔ نشستن دو طرف در مقابل هم، قرار دادن صندلیهای راحت، تعبیهٔ دستگاه ضبط صوت و یا دستگاه عکسبرداری در محل مناسب نیز می‌باشد.

اگر افرادی مورد مصاحبه قرار می‌گیرند که احساس می‌شود اطلاعات فراوانی دربارهٔ حادثه‌ای تاریخی و یا جنایتی دارند و یا شاهد ماجراهائی بوده‌اند که افکار عمومی مشتاق دانستن آنهاست، مصاحبه‌کننده باید روشهای خاصی را برای دریافت پاسخ مناسب به کار بندد و به مصاحبه‌شونده اطمینان بدهد که اگر پاسخهای او جنبهٔ محرمانه دارد و یا ممکن است در دادگاهی به ضرر او مورد استفاده قرار گیرد، از ذکر آنها خودداری خواهد شد. گاهی مصاحبه‌کننده، احساس می‌کند که دانش او دربارهٔ موضوعی خاص بیش از اطلاعاتی است که مصاحبه‌شونده به او می‌دهد، در چنین حالتی مصاحبه‌کننده نباید طوری رفتار کند که او را در حالت انفعالی قرار دهد.

هر مصاحبه‌کنندهٔ خوب، باید شنوندهٔ خوب و باحوصله‌ای باشد؛ گرچه در بسیاری موارد شنیدن مسائل تکراری، ممکن است خسته‌کننده باشد، ولی مصاحبه‌کننده می‌تواند با «توجیه مطلب» و به اصطلاح «Explanation»، مصاحبه‌شونده را وادار کند تا مطالب تکمیلی را دربارهٔ موضوع مورد بحث به خاطر بیاورد و آنها را بیان کند.

به خاطر آوردن مسئله، یعنی تحریک حافظه؛ «حافظه» یا «Memory»، یکی از مسائل بسیار مهم در مصاحبه است. پرواضح است که حافظه، یکی از مختصات اساسی مغز انسان

است و قدرت یادآوری اطلاعات بیشتر، به «پسیکولوژی» و «Neuroscience» بستگی دارد. آیا واقعاً حافظه در جای مشخصی از مغز قرار دارد و در آنجا انبار و متراکم (Storage) می‌شود؟ و چگونه می‌توان حافظه را فراخوان یا «Recall» کرد؟

در ساختار مغز آدمی، حافظه شفاهی در نیمکره چپ و حافظه فضائی با نیمکره راست پیوند دارد. مغز آدمی - که توده‌ای در حدود ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۰ گرم است - با ده میلیارد یاخته عصبی و یکصد میلیارد یاخته کوچک، نقش فرماندهی را در بدن بازی می‌کند.

چند سال پیش - که کتاب «برندگان جایزه نوبل در پزشکی و فیزیولوژی» را تدوین می‌کردم و فرهنگستان علوم پزشکی در سال ۱۳۷۷ آن را چاپ و منتشر کرد - در سال ۱۹۶۳، «Sir John Eccles»، برنده جایزه نوبل در پزشکی و فیزیولوژی شد و تحقیقات خود را درباره فعالیت‌های مغز و نحوه رفتار اعصاب متمرکز کرده بود. وقتی یک سلول عصبی (نرون) با سلول عصبی دیگری تلافی می‌کند، «synaps» به وجود می‌آید. ابتدا تصور می‌شد که تحریکات عصبی، دارای خاصیت الکتریکی است؛ ولی اکلز و همکارش، ثابت کردند که تحریکات عصبی، به وسیله تبادلات شیمیایی موادی به نام «استیل کولین» - که به مقدار کم ترشح می‌شود - غشای فیبرهای عضلانی را تحریک می‌کند و این تبادلات شیمیایی است که مسئله «حافظه» را مطرح می‌کند. اکلز، در کتاب جالب خود تحت عنوان «The Self And Its Brain» نوشته است: ما زندگی را از کودکی آغاز می‌کنیم؛ رشد می‌کنیم؛ جوان می‌شویم و سپس پیر می‌گردیم. مع الوصف، همواره خاطره دائمی برای ما وجود دارد.

مصاحبه‌کننده، باید این خاطره را تحریک کند و حافظه مصاحبه‌شونده را به کار اندازد. البته برحسب آنکه این حافظه مربوط به دوران بسیار گذشته یا «long memory» یا زمان تازه «Short term memory» باشد، نحوه یادآوری و بازگفت خاطرات کمی فرق می‌کند.

«حافظه Episodic» یا «توبیوگرافیکال»، خاطره زمانها و مکانهای خاصی است. مصاحبه‌کننده، زوایای پنهان مغز را می‌کاود تا مصاحبه‌شونده، ناگفته‌ها را بازگو کند و او را به مرحله «Eidotic memory» یا «حافظه فتوگرافیک» برساند. من به عنوان یک متخصص آزمایشگاه، می‌توانم بگویم که همه تحریکات عصبی و واکنش‌های مغز آدمی، درحقیقت به مثابه آزمایشگاه کوچکی است که دائماً میلیونها سلول در آن واکنشها دخالت دارند. حالا اگر مصاحبه‌کننده انتظار دارد که خاطره‌ای از مصاحبه‌شونده بشنود و دستخوش فراموشی شده است، باید این هنر را داشته باشد که با روشهای خاص، خاطرات او را زنده کند. به قول یک نویسنده روانکاو، مصاحبه‌کننده مانند فرد متخصصی است که جعبه سیاه هواپیمای ساقط شده‌ای را پیدا کرده و به آنالیز داده‌های آن می‌پردازد تا علت حقیقی سقوط یا سانحه را پیدا کند. این جعبه سیاه مغز، به افرادی متخصص نیاز دارد تا حافظه‌ها را تجدید کند.

وقتی که مصاحبه‌گر محترم با من صحبت می‌کرد، وضعی به وجود آورد که همه نکات کوچک و بزرگ زندگی در مقابل دیدگانم قرار گرفت و درحقیقت، حافظه فتوگرافیک من بسیار فعال شد. مصاحبه‌کننده، باید کوشش کند که بتواند حداکثر پاسخهای خود را از مصاحبه‌شونده دریافت کند. درحقیقت نقش اساسی مصاحبه‌کننده، آن است که وضعی به وجود آورد که مصاحبه‌شونده، حقیقت را درباره موضوع و هدف او بیان کند. مصاحبه‌کننده، باید تمام حواس خود را برای انجام مصاحبه متمرکز کند و در تمام مدت مصاحبه حضور ذهن داشته باشد.

گاهی مصاحبه‌کننده، ناخودآگاه انگیزه‌هایی در مصاحبه‌شونده ایجاد می‌کند که او را به انجام واکنشهایی سوق می‌دهد. همان طور که یک جراح متخصص اعصاب، می‌تواند با تحریک به وسیله الکترودها، لایه‌های کورتکسهای معینی را در مغز بدرستی مشخص کند، مصاحبه‌کننده هم با تحریک مغزی، می‌تواند تمام یا قسمت زیادی از بایگانی موجود

مصاحبه‌شونده را مرور کند. وقتی مصاحبه‌کننده با مخاطب خود صحبت می‌کند و ارتباط چشمی و صوتی برقرار می‌کند، درحقیقت دستگاه نرونی مغز او بر مخاطب و یا برعکس اثر می‌گذارد و هر کلمه‌ای از جانب دو طرف، موجب یک تغییر شیمیایی در مغز می‌شود.

مهم‌ترین نقش مصاحبه‌کننده، آن است که قبل از مصاحبه، اطلاعات لازم را درباره فرد مصاحبه‌شونده جمع‌آوری کند و یا درباره حادثه‌ای که قصد انجام مصاحبه دارد، مطالعه کرده باشد. وقتی مصاحبه‌کننده از من درباره زندگی خانوادگی و عموهایم پرسید، درحقیقت مانند Flashback فیلمی، مرا به دوران کودکی برد و به یاد آوردم که مثلاً عموی مرحومم دکتر یحیی ظریفی - که مدتی طبیب اردوی میرزا کوچک خان در کسما بود - هر وقت به لاهیجان به منزل ما می‌آمد، یک بسته بادام سوخته به من می‌داد. به همین جهت، من در هر مجلسی که بادام سوخته بینم، بدون تردید به یاد عمویم می‌افتم و این هنری بود که مصاحبه‌گر در مصاحبه چهار ساعته خود به کار برد.

نتیجه اینکه من پس از آن مصاحبه، مصمم شدم تمام خاطرات زندگی خود را در دوران کودکی، جوانی، تحصیل در داخل و خارج، مسافرت‌های متعدد به عنوان کارشناس بهداشت جهانی یا شرکت در کنگره‌های علمی و... بنگارم. من و همسرم، از این بابت مدیون سازمان اسناد ملی و سرکار خانم رؤیا محمدلو هستیم که چنین موقعیتی را برای بنده فراهم کردند که به نوشتن این کتاب اقدام کنم و از این نظر، حقیقتاً سپاسگزار هستم. به قول سعدی:

مرد خردمند هنرپیشه را

عمر، دو بایست در این روزگار

تا به یکی تجربه آموختن

با دگری تجربه بردن به کار

پی‌نوشتها:

1- Hooper and Dikterne: The three Pound Universe
مترجم دکتر ابراهیم یزدی با نام جهان شگفت انگیز مغز، انتشارات
قلم، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۲- دکتر ابوالحسن ضیا ظریفی، برندگان جایزه نوبل در
پزشکی و فیزیولوژی ۱۹۰۱-۱۹۹۷، فرهنگستان علوم پزشکی
ایران، تهران ۱۳۷۷.

3- AKRI: Memory From Wikipedia, The Free
Encyclopedia 2005.

4- AKRI: Interviewing a Knowledge Based
Approach 2005.